

**همه سفارتخانه‌ها در تهران فعال هستند**

سخنگوی وزارت خارجه در خصوص شایعه تعطیلی برخی سفارتخانه‌های اروپایی در ایران با یادآوری اینکه این شایعات و خبرسازی‌ها از دو هفته پیش آغاز شده، گفت: پس از خبر خداحافظی سفیر آلمان شایعات دوباره اوج گرفت اما هیچ کدام از

سفارتخانه‌ها تعطیل نیستند.

اسماعیل بقایای افزود: برخی سفارتخانه‌ها در ایام جنگ ۱۲ روزه برخی فعالیت‌های خود را کاهش دادند اما این به معنای تعطیلی آن‌ها نیست. هر سه سفارتخانه آلمان، فرانسه و انگلستان فعال هستند البته در برخی تحولات ساختاری برخی امور کنسولی خود

#### یادداشت

#### راه حل امام <sup>رحمته</sup>، برای وضعیت امروز ایران



در زمانه‌ای هستیم که هم دولت و قوای کشوری باید «زندگی با قوت مردم» را راهبری کرده و هم کارگزاران و اصحاب فکر و رسانه و جریان‌های سیاسی باید هوشیار، بیدار و پیشدستانه «نقشه دشمن» را شناسایی کنند؛ دشمنی که به کمتر از تجزیه و سقوط ایران راضی نمی‌شود.

در این شرایط خاص تاریخی و به ظاهر معلق در تحلیل‌ها، امام خمینی(ره) آن‌بزگرد همه‌دوران‌ها، دوراھکار «وحدت‌همه‌جانبه» و «حمایت از مردم» را مطرح می‌کنند. این جملات، کلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران است:

«در هر صورت ما باید دنبال این معنا باشیم که مردم را نگه داریم»، «تفرقه‌از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است. وقتی که شما الهی شدید... دنبال او دیگر تفرقه حاصل نمی‌شود».

از جنگ ۱۲ روزه درس و عبرت بگیریم، نجابت و شجاعت ملت ایران، رهبری فرزانه و شهامت سربازان وطن در تقابل با دشمن و جودی ایران در مثلث غربی، صهیونی و مزدوران وطن فروش را فراموش نکنیم.

پیروزی واقعی بدست آمده را با منافع حزبی و اختلاف افکنی و توهم صلح بدون اقتدار، تخریب نکنیم. به هوش باشیم که نفرت‌پررکتی و قدرشناسی و زمان‌شناسی، مردود ایران دوستان عزیز است.

#### نگاه

#### نبرد ۱۲ روزه؛ تجلی انسجام اجتماعی و استحکام درونی جمهوری اسلامی

**دکتر علی قاسمی، پژوهشگر مسائل سیاسی**؛ بی‌تردید همدلی مردم و انسجام اجتماعی در نبرد ۱۲روزه یکی از جلوه‌های اقتدار ایران قوی بود. نمایشی از قدرت و استحکام پایه‌های مردمی جمهوری اسلامی که ادعای غرب گرایان و محاسبه دشمنان را بر هم زد. ادعایی که در سال‌های اخیر برخلاف امر واقع، از شکاف میان مردم و حاکمیت سخن می‌راندو جامعه ایران را در حال فروپاشی روایت می‌کرد. دست بر قضا، دشمن نیز برآمده از همین کژروایت، دچار اشتباه محاسباتی شدوبی‌گدار به میدان زدو تهاجم خود را آغاز کرد.البته از سوی برخی گفته می‌شود جنگ ۱۲روزه، پیوند اجتماعی ایجاد کرد. اگرچه منطق این حرف قابل قبول است، اما این تقلیل یک واقعیت است؛ زیرا اگر انسجام اجتماعی و همبستگی مردم با حاکمیت وجود نداشته، آن چیزی از آب درمی‌آمد که دشمن خواب آن را دیده بود. یعنی شروع مداخله نظامی از سوی دشمن وپس از آن به خیابان آمدن مردم برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی ایران. حال آنکه اولانبرد ۱۲روزه انسجام اجتماعی و استحکام ساخت درونی جمهوری اسلامی ایران را به تصویر کشاند، ثانیاروایت جریان غرب‌گزار در هم شکست و ثالثاًخطای محاسباتی دشمن را بر ملا کرد؛ چراکه «انسجام اجتماعی در ایران» حالتی پُسنینی نبوده و نیست که برآمده از شرایط جنگ ایجاد شود؛ بلکه امری پیشینی بوده، که برخلاف روایت غرب‌گرایان و محاسبه دشمن، با همراهی حداکثری مردم در این نبرد۱۲روزه متجلی شد.

از این رو این فراز از بیانات رهبر معظم انقلاب که فرمودند: «جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران دست پُر خود را به دنیا نشان داد» صرفاً به ابعاد قدرت نظامی ایران تأکید ندارد، بلکه بخشی از آن «دست پُر» اثبات «قدرت درون‌زای مردمی»، «انسجام اجتماعی» و «استحکام ساخت درونی نظام اسلامی» است که محاسبات میدانی دشمن را در هم کوبید و با شکست سناریو دشمن در تهاجم خارجی و عقیم ماندن آشوب داخلی نشان داد محاسبات دشمن برآمده از واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی ایران نیست و غرب‌گرایان، جریان‌های معارض و اپوزیسیون شناخت لازم از متن مردم ولایه‌های اجتماعی ندارند.

بر این اساس از دستاوردهای دفاع مقدس ۱۲روزه که در «بازسازی انقلابی ذهنیت جامعه» به شدت اثرگذار است؛ تجلی انسجام اجتماعی، استحکام درونی نظام و پیوستار اجتماعی تفکر مقاومت در متن و بطن جامعه بود که اتصال تمدن و تاریخ ایران با ارزش‌های حیاتی اسلام را اثبات کرد. همچنین همدلی و همبستگی مردم در دفاع مقدس ۱۲روزه نشان داد کژروایت فروپاشی جامعه، پایان ایمان به تفکر مقاومت و گفتمان انقلاب اسلامی، برآمده از ایدئولوژی لیبرالی عناصر غرب‌گرا و القائات رسانه‌ای جریان‌های معارض و اپوزیسیون است که با واقعیت جامعه ایرانی -اسلامی ما، فرسنگ‌ها فاصله دارد.

لذا شما می‌بینید با وجود برخی از اختلاف سلیقه‌ها در سبک زندگی و... باز هم جوانان دهه هشتادی و نودی -که به تعبیری نسل آینده می‌شوند- پای کار ایران اسلامی آمدند. طبقه متوسط جدید که مدام از شکاف آنان با حاکمیت سخن رانده می‌شود، با ایستادگی و همراهی خود، وفاداری خود را به ایران اسلامی، مقاومت و رهبری نشان دادند و حضور نسل جوان و طبقه متوسط -که آنان را پاشنه آشیل جمهوری اسلامی می‌خواندند- در تجمعات مردمی علیه تهاجم دشمن و تشییع ابدان مطهر شهدا، جلوه‌های عینی از همبستگی مردم با حاکمیت را به نمایش گذاشت.

از این رو باید اذعان کرد بر خلاف ادعای عناصر غرب‌گرا و جریان روشن فکری سکولار، نه تنها جامعه ایرانی در حال فروپاشی نیست، بلکه این جامعه آگاهانه در صیانت از ایران اسلامی، حساسیت و هوشیاری ستودنی دارد و این انسجام اجتماعی، شاخصی درخور توجه از میزان اتصال عمیق مردم به مسئله ایران، انقلاب اسلامی و رهبری عزیز است. موضوعی که با همراهی حداکثری مردم، بارها در عبور از بحران‌های مختلف به اثبات رسیده و راهبرد دشمن نیز برنامه‌ریزی برای تضعیف و تخریب این انسجام اجتماعی حداکثری است.

را برون سپاری کرده‌اند و این شایعات صحت ندارد.

وی در خصوص تصمیم ایران در مورد نوع تعامل خود با طالبان پس از به رسمیت شناختن حکومت طالبان از سوی روسیه گفت: به رسمیت شناختن هر حکومتی یک تصمیم حکومتی است. ما به تصمیم روسیه احترام می‌گذاریم، ما هم با افغانستان تعاملات زیادی داریم و به دلیل



وی در عین حال، انتقاد از حق طبیعی جریان‌های سیاسی می‌داند و تأکید می‌کند: ممکن است به آقای دکتر پزشکیان هم نقدهایی وارد باشد، اما طرح نقد باید در یک فضای سالم صورت بگیرد؛ چرا که اساساً انتقاد با هدف بهبود عملکردها اتفاق می‌افتد نه با هدف ضربه زدن به عملکردها.

وی به مرز باریک انتقاد از دولت و ضربه زدن به دولت اشاره می‌کندوی می‌گوید: به هر دولت و رئیس‌جمهوری حتماً نقدهایی وارد است اما اینکه چهره‌هایی صرفاً از سر زیاده‌خواهی، صلاحیت رئیس‌جمهوری برای ادامه کار را زیر سؤال ببرند، ناپجا و غلط است. وی در ادامه تأکید می‌کند: آن‌هایی که با سازوکارهای رسانه‌ای آشنا هستند می‌دانند که این گونه طرح‌ها صرفاً فضا سازی سیاسی است.

او در بخش دیگری از اظهارات خود به پیامد این گونه فضا سازی‌ها می‌پردازد و خاطر نشان می‌کند: این اقدام‌ها نه

تنها تضعیف دولت در شرایط حساس کشور است، بلکه می‌توان گفت یک اشتباه استراتژیک بزرگ محسوب می‌شود.

ایجاد فضای رادیکال میان سیاست‌پون، آتش اختلافات سیاسی را در داخل شعلهور می‌کند و قطعاً اگر به روند سازندگی کشور ضربه نزنند، کمکی هم به آن نمی‌کند.

**■ سکوت به معنای تسلیم شدن در برابر فضا سازی‌های سیاسی است**

این کارشناس مسائل سیاسی تأکید می‌کند: اقلیت تندرو با مطرح کردن موضوعی از این دست، دیگران را هم به واکنش‌های تند وادار می‌کنند. نتیجه این اقدام‌ها فاصله گرفتن از فضایی است که پس از جنگ تحمیلی ۱۲روزه ایجاد شد؛ فضایی که همدلی، اتحاد و انسجام ملی را رقم زده بود.

ایمانی می‌افزاید: متأسفانه به نظر می‌رسد افرادی که این

داشتن اشتراکات زیاد و مرز طولانی و چالش‌هایی که باید در تعامل با حکومت سرپرستی افغانستان حل کنیم تماس‌ها ادامه داشته و در مورد به رسمیت شناختن حکومت طالبان، نظام تصمیم خواهد گرفت. سخنگوی وزارت امور خارجه بیان کرد: در روزهای آینده گفت‌وگوهای دیگری با آژانس برگزار خواهد شد.

www.qudsonline.ir

شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۴ ۲۵ صفر ۱۴۴۷ ۱۹ آگوست ۲۰۲۵ ۳۳ سال سی و هشتم ۳۳ شماره ۱۰۲۲

#### کارشناس ارشد مسائل سیاسی در گفت‌وگو با قدس با انتقاد از طرح برخی مسائل نظیر طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور

## پنجه تندروها بر چهره پزشکیان

بحث‌ها را مطرح می‌کنند، به طور مستقیم از این همدلی و همبستگی رضایت ندارندوی می‌خواهند به آن ضربه بزنند. وی با تأکید بر ضرورت مقابله سیاست‌پون دلسوز با این رفتارها، می‌گوید: مسئولان و سیاست‌پون آگاه نباید اجازه دهند این افراد در حد خودنمایی و مطرح کردن حرف‌های تند، فضای سیاسی کشور را مسموم کنند. سکوت در برابر این تندروی‌ها، به معنای تسلیم شدن در برابر فضا سازی‌های سیاسی است.

**■ این اقدام‌ها کاملاً زاینبار و عمیقاً اشتباه است**

وی درباره شدت گرفتن این مسائل در ماه‌های اخیر می‌گوید: اظهارات برخی چهره‌ها مانند آقای آشنا یا آذری جهرمی که نزدیک به جریان پزشکیان هستند، ممکن است در حد انتقاد مشروع باقی بماند؛ اما کسانی که با وقاحت از طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور سخن می‌گویند، قطعاً از چارچوب انتقاد فراتر رفته و با رادیکالیسم سیاسی می‌خواهند فضای کشور را ملتهب کنند. او معتقد است: انتقاد به عملکرد رئیس‌جمهور طبیعی و قابل پذیرش است، اما رادیکالیسمی که هدف آن ضربه به سازوکارهای مدنی جامعه است، خطرناک و مخرب خواهد بود و همه باید با آن مقابله کنند. این اقدام‌ها نه تنها به نفع کشور نیست، بلکه زمینه سوءاستفاده دشمنان داخلی و خارجی را فراهم کرده و امنیت سیاسی کشور را تهدید می‌کند. در چنین شرایطی، ضرورت ایجاد وحدت، همدلی و یابپندی به اصول قانونی و اخلاق سیاسی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

این کارشناس ارشد مسائل سیاسی تأکید می‌کند: مسئولان دلسوز باید به صورت جدی با این جریان‌های تندرو مقابله کنند و اجازه ندهند با حرف‌های غیرعملی و جنجالی، آرامش سیاسی کشور به مخاطره بیفتد. نقد و انتقاد حق طبیعی سیاست‌پون است، اما زمانی که هدف بهره‌برداری سیاسی و ایجاد فضای رادیکال باشد، این اقدام‌ها کاملاً زاینبار و عمیقاً اشتباه است.

#### واکنش کارشناس‌ها به بیانیه اخیر جبهه اصلاحات ادامه دارد

## نسخه‌پیچی اصلاح طلبانه یا خیال‌پردازانه؟!

خارجی را نقد کرد. مهدی محمدی هم بیانیه را معادل بیانیه ارتش رژیم اسرائیل توصیف کرد.

در شرایطی که بسیاری بیانیه اخیر را ضربه به برنامه وفاق دکتر پزشکیان تعبیر می‌کنند، انتقادهای گسترده نشان می‌دهد جبهه اصلاحات در شرایطی که کشور تازه از جنگ تحمیلی ۱۲روزه گذر کرده است، با یک بیانیه غیرواقع‌بینانه، پیشنهادهایی ارائه کرده که می‌تواند کشور را در معرض فشارهای داخلی و خارجی قرار دهد. این بیانیه نه تنها اعتماد عمومی را بازسازی نمی‌کند، بلکه با تمرکز بر آشتی ملی و تعلیق غنی‌سازی در زمانی که دشمنان به دنبال شکاف داخلی هستند، احتمال آسیب‌پذیری ایران را افزایش می‌دهد. چنین نمایش سیاسی نه تنها گره‌ای از مشکلات کشور باز نمی‌کند، بلکه با تضعیف انسجام داخلی، ارسال پیام غلط به دشمن و ضربه به خطوط بازدارندگی، هزینه‌های جدیدی بر ملت تحمیل خواهد کرد. این در حالی است که باید متذکر شد سیاست‌ورزی مسئولانه به ویژه در شرایط پیچیده کنونی، به جای نسخه‌های خیال‌پردازانه و رمانتیک، نیازمند واقع‌بینی، درک موازنه قدرت و التزام به خطوط قرمز امنیت ملی است.

«اعتمادسازی یک‌طرفه»، تعلیق دواطلبانه فعالیت‌های هسته‌ای و پذیرش

بازرسی‌های آژانس را به عنوان گامی برای گشایش معرفی کرده‌اند، بی‌آنکه به تجربه‌های عینی و تلخ منطقه‌ای توجه کنند. در بخشی دیگر، سخن از «هم‌گرایی منطقه‌ای برای ایجاد صلح پایدار» به میان آمده است گویی نگارندگان از سیاست همسایگی تهران که از سال ۱۴۰۰ منبای تصمیم نظام برای بهبود روابط منطقه‌ای است به کل بی‌خبرند. جبهه اصلاحات در حوزه پیشنهادهای نهایی یازده‌گانه خود هم به مواردی اشاره کرده که به اعتقاد بسیاری پیش از پیشنهاد به شعارهای تبلیغاتی می‌ماند: «فرصت طلایی تخفیر»، «فردا دیر است»، «بازگشت به مردم»...

بر این اساس، بیانیه اخیر از همان ابتدا با انتقادهای زیادی مواجه شد. مالک شریعتی، نماینده مجلس آن را «نامیدکننده» و فاقد راهکار عملی خوانده است. عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای این بیانیه را بازگشت به سیاست‌های ناگام سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۷ توصیف کرد. سعید آجورلو، تحلیلگر سیاسی مشابهت بیانیه با نامه موسوم به «جام زهر» نمایندگان مجلس ششم در سال ۱۳۸۲ و رمانتیک و خیال‌پردازانه بودن سیاست

**مهدی خالدي**؛ بیانیه اخیر جبهه اصلاحات ایران با عنوان «آشتی ملی؛ فرصتی طلایی برای تغییر و بازگشت به مردم» آن قدر تند و تیز و به معنای گذر از نرم‌ها و چارچوب‌های جاری کشور قلمداد شد که حتی انتقاد بسیاری از اصلاح‌طلبان را هم برانگیخته است. اصول‌گرایان این مرقومه را «خیانت و ساده‌انگاری» می‌خوانند و طیفی از اصلاح‌طلبان نسبت به واقع‌بینی آن پرسش‌هایی جدی مطرح می‌کنند. بیانیه مذکور حاوی نکاتی است که از زاویه‌های مختلف می‌توان آن را مورد بحث قرار داد. در مقدمه آن با وجود پذیرش و مبنا قرار دادن موضوع تجاوز جایت‌نارایت اسرگرایان و اسرائیل به ایران، بدون محکوم کردن طرف متجاوز، جمهوری اسلامی در جایگاه متهم نشاندۀ شده و از ضرورت گشودن باب تعامل سازنده با جهان از سوی تهران سخن گفته می‌شود. در ادامه با طرح مفهوم «مکانیسم ماشه» در سناریویی که «بازی روشن در زمین دشمن» تعبیر شده، ضمن تکرار تهدیدهای دشمن و القای ترس، بر ضرورت کوتاه آمدن ایران در این کارزار تأکید می‌شود.

نویسندگان بیانیه، در ادامه در راستای همان راهبرد شکست‌خورده

#### گزارش تحلیلی

**هدایت جاوید**؛ در شرایطی که دکتر مسعود پزشکیان

به‌منظور پیگیری مسائل منطقه‌ای و دو جانبه به ارمنستان سفر کرده و سپس به بلاروس خواهد رفت، به بهانه این رویداد دیپلماتیک، یادآوری چند نکته و اینکه تهران برای کسب منافع حداکثری در قفقاز چه باید بکند خالی از لطف نیست.

**۱- ساده‌انگاری نکنیم:** مرور مواضع مقامات ارشد کشورمان درباره تحولات مرزهای شمال غربی به ویژه اقدام‌های یک‌جانبه جمهوری آذربایجان با هدف راه‌اندازی کریدور زنگزور حساسیت‌برانگیز شده است. از ادعای پزشکیان که رسانه‌ها را به بزرگ‌نمایی مشکلات در این باره متهم و مدعی شد منافع ایران در این ارتباط

رعایت شده تا سخنان دوروز پیش سیدعباس عراقچی و اینکه به تعبیر او ارمنستان اعلام کرده تمام خطر مرزهای ایران را در توافقی رعایت کرده است. از خور توجه است. از همه جالب‌تر اقدام فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت بود که با نمایش یک نقشه و ادعای اینکه گذرگاه زنگزور ربطی به از دست رفتن مرزهای ایران ندارد و در منطقه‌ای که به سر ایران معروف است دعوا تنها بر سر یک بند انگشت جا هست همه را شگفت زده کرد.

رویکرد دولت در مدیریت تنش‌های منطقه از کانال‌های دیپلماتیک جای تحسین دارد اما برخی مقامات در حالی رسانه‌ها را به دشمن‌تراشی متهم می‌کنند و حساسیت آن‌ها دربارۀ تحولات قفقاز را زیر سؤال می‌برند که نباید

فراموش کرد عرصه سیاست خارجی جای اشتباه و ساده‌انگاری نیست؛ چرا که یک اتفاق و عملکرد نامناسب می‌تواند سبب از دست رفتن منافع بلندمدت و نسل آینده جامعه ایرانی شود. همان‌گونه که به‌به منطقه کوچک قرقسوز سوی رضاشاه به ترکیه زمین‌ساز مشکلات کنونی در شمال غربی شده است. البته که گفت‌وگوی دوروز پیش علی لاریجانی؛ دبیر شورای عالی امنیت ملی با آرم‌ن گریگوریان همتای ارمنی، دیدار کمال خرازی؛ رئیس‌شورای راهبردی روابط خارجی با واهان گوستانیان؛ معاون وزیر خارجه ارمنستان و در نهایت سفر رئیس‌جمهور پزشکیان به ارمنستان نشان از درک این موضوع و البته جدیت تهران در پیگیری منافعش در قفقاز دارد.

**۲- وسط‌گود باشیم نه در حاشیه:** به اعتقاد برخی تحلیلگران، بخشی از ماجرای شکل گرفته جاری در قفقاز جنوبی به تحولات پس از سال ۲۰۲۰ و عدم حضور فعال تهران در مسیر صلح‌سازی پس از جنگ بازمی‌گردد. به زعم این افراد با پایان جنگ ایران می‌بایست به عنوان یک کشور دارای پیشینه تاریخی فعال در قفقاز بسیار جدی‌تر وارد میدان شده و در روند ترسیم سیمای پس از جنگ در قفقاز مشارکت داشته باشد اما در نبود تهران خروجی توافقی صلح سه‌جانبه میان روسیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان - البته با بازیگری فعال ترکیه به نفع پاکو- سبب شد پاکو با استناد به ماهه ۹ توافقی نامه آتش‌بس بهانه لازم برای طرح مفهوم دالان زنگزور را بیابد. ایران اکنون هم باید

**قدس به بهانه سفر رئیس‌جمهور به ارمنستان بررسی کرد**

### بایسته‌های دیپلماسی ایرانی در قفقاز جنوبی

ما نخواهند شد و جوابشان این خواهد بود که ما نبودیم و این منطقه در اختیار کنسرسیونم است! این در حالی است که چندی پیش پایگاه تحلیلی «آکسفورد آلتیتیکا» به‌موضوع نوع گردش‌گرد ایران به تحولات قفقاز جنوبی پرداخته و ادعاهای که رید زاشهرابه ترکیه به‌خبرشود و همین افزایش نفوذ آمریکا و اسرائیل در منطقه است.

**۴- تأثیرات اثر انگشت آآتورک هنوز پاک نشده:** در نهایت اینکه تحولات اخیر در منطقه قفقاز و طرح دالان ترامپ، بار دیگر نگاه‌ها را متوجه گذشته و تصمیم‌های حساس تاریخ معاصر ایران کرده است. اینکه چگونه واگذاری «قرسوز»، منطقه‌ای که رضاشاه به ترکیه به‌خبرشود و همین گذرگاه باریک که از آن به اثر انگشت تاریخی آآتورک یاد

می‌شود زمینه مداخلات امروزی آنکارا در این جغرافیا را فراهم کرد. کارشناسان معتقدند اگر کوه‌های آرارات همچنان در دست ایران بود، وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه به طور قطع متفاوت بود. اکنون هم باید حساسیت و نگرانی‌های بجای ناظران سیاسی درباره تحولات جاری در قفقاز را جدی گرفته و درک کرد. در رویدادهایی این گونه فارغ از مناسبات سیاسی و مصلحت‌اندیشی‌ها، باید منافع بلندمدت دیده و لحاظ شود؛ چرا که هر گونه کوتاهی، آینده کشور را در معرض خطر قرار خواهد داد و امیدواریم سفر رئیس‌جمهور به ارمنستان، بازتاب‌دهنده رویکرد جدی و قاطع جمهوری اسلامی در پیگیری منافع ملی در قفقاز تعبیر و تفسیر شود.